

«بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ»

# هفت قدم برای گسترش رزق و ثروت از نگاه اسلام

(به همراه هشت راهکار عملی از بزرگان دین)

(بر اساس آیات قرآن و روایات معصومین (ع) و راهکارهای نظریه پردازان موفقیت)

نویسنده و محقق: علی اصغریات

Email: alibayat1989@yahoo.com

Tell: 09190139970



# یارازق المقلین

تقدیم به خدای رزاق

هموکه بندگانش را اجازه می‌دها کردن داد

واجابش را تضمین کرد

به امید آنکه همه می‌مارا مورد لطف خاصه اش قراردهد

## فهرست

5	-----	مقدمه
7	-----	راه اول: مثبت اندیشی و گمان نیکو
19	-----	راه دوم: دعا و درخواست
29	-----	راه سوم: توکل
39	-----	راه چهارم: شکر گزاری
46	-----	راه پنجم: انفاق و بخشش
55	-----	راه ششم: اخلاق نیکو
60	-----	راه هفتم: تاثیر گناه بر کاهش روزی
64	-----	سخن آخر

67 ----- راهکار اول: سحرخیزی

68 ----- راهکار دوم: پیشنهاد شیخ حسنعلی نخودکی

69 ----- راهکار سوم:

70 ----- راهکار چهارم

71 ----- راهکار پنجم

72 ----- راهکار ششم

73 ----- راهکار هفتم

74 ----- راهکار هشتم

(( مقدمه ))

همواره این سوال مطرح است که چرا برخی ثروتمند و برخی فقیرند؟ خیلی ها نمیتوانند نیازهای اولیه شان را برآورده کنند و برخی دیگر نمی دانند چگونه از ثروت انبوهشان استفاده کنند!!!

تفاوت در چیست؟ آیا ثروتمندان از ابتدا ثروتمند بوده اند یا اینکه ثروتمندی خود ساخته اند؟ آیا در گذشته فقر را تجربه کرده اند؟

جالب است بدانید که درصد قابل توجهی از ثروتمندان خودساخته اند و خیلی از آنها در گذشته فقرا را تجربه کرده اند!!!

اما سوال اساسی این است که چه چیزی باعث تغییر در زندگی آنها شده است؟

ویژگی این افراد چیست و چه اصولی را رعایت کرده اند؟ راز موفقیت مدیران و کار آفرینان موفق در چیست؟ آن ها چه کار کرده اند که دیگران نمی کنند؟

آنچه امروز فهمیده ایم این است که ضمیر ناخودآگاه و قانون جاذبه ی ذهن ، نقشی اساسی را در جهت رسیدن به اهدافمان بازی می کنند، مشروط بر اینکه با آن همجهت شویم و در راه رسیدن به موفقیت گام برداریم . استفاده از ضمیر ناخودآگاه به همراه تلاش و پشتکار است که جواب مثبت می دهد، در واقع همت و پشتکار و نیز تنظیم ضمیر ناخودآگاه بر فرکانس موفقیت از ویژگی های مشترک افراد موفق در تمام دنیا ست.

در چند دهه ی اخیر شاهد نظریه های فراوانی در مورد ضمیر ناخودآگاه و قانون جاذبه ی ذهن هستیم ،اما منشا این نیروی عظیم در چیست؟ کاتالوگ و راهنمای استفاده از این امور را چه کسی و در چه قالبی در اختیار ما قرار داده است؟

با گذشت زمان اسرار انسان و شگفتی هایش بیشتر و بیشتر کشف می شود و گفته های خالق که هزاران سال از آنها می گذرد روز به روز روشن تر می شود و نمود می یابد، در واقع آنچه ذات قدرتمند پروردگار به عنوان راهنمای زندگی بشر به ما داده است اصولی هستند که با تنظیم فرکانس ضمیر ناخودآگاه در جهت موفقیت ما را هدایت می کنند.

لذا آنچه خالق کائنات در هزاران سال پیش مطرح کرده است راز بزرگ زندگی انسان است که در صورت رعایت این قوانین انسان امروز می تواند به منتهای موفقیت و پیروزی دست یابد.

آنچه در این کتاب به آن می پردازیم، بررسی و نحوه ی استفاده از این اصول است.

## راه اول: مثبت اندیشی و گمان نیکو

«پیش بینی و باور خوب داشته باشید تا آن را در زندگی خویش ببینید»

رسول اکرم (ص)

همانگونه که علم روانشناسی امروز تأیید میکند باورهای شما شخصیت شما را می سازند و آینده آنگونه میشود که اکنون فکرش را می کنید. برای مثال دکتر آرمندیان می نویسد:

(( خدای رزاق برای آدمیان ثروت را به گونه ای قرار داده است که به دست آوردن آن رابطه ی مستقیمی با باورهای آنان دارد و فاکتور باور فاکتور تعیین کننده ایست که می تواند میزان آنرا مشخص کند))<sup>۲</sup>

دکتر در ادامه ذکر می کنند :

(( در این راستا ضمیر ناخودآگاه با کل کائنات ارتباط برقرار می کند تا ببیند چه عامل یا عواملی می تواند در محقق ساختن آن ثروت و یا هدف مالی موثر باشد آنجاست که شعر زیبای سعدی مصداق می یابد:

ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا توانی به کف آری و به غلت نخوری ((<sup>۳</sup>

۱- محمد محمدی ری شهری ، میزان الحکمه با ترجمه فارسی ج ۹ ، ص ۴۵۰۲  
 ۲- تکنولوژی فکر ۱ ص ۲۳۵  
 ۳- همان

## باور شما در مورد ثروت چیست؟

آیا پول چرک کف دست است؟  
 آیا فکر می کنید ثروتمندان گناه کارند؟  
 آیا فکر می کنید در آینده فقر در انتظارتان است؟  
 اگر ثروتمند شوید دوستانتان از شما فاصله می گیرند؟  
 آیا گمان می کنید خداوند فقر را برایتان مقدر کرده و شما در آینده فقیر خواهید بود؟  
 :

اگر باورهای نا درست مانع ثروتمندی ما می شوند پس چرا آنها را در ذهنمان نگه داشته ایم؟

در این بخش به بررسی چهارباور غلط می پردازیم تا با آگاهی کامل آنها را از ذهنمان دور بریزیم.

۱ - یکی از باورهای غلط ما اینست که فقر را مورد پسند خدا میدانیم. دلیلمان هم ساده زیستی فوق العاده ی پیغمبر اکرم (ص) علی (ع) است!

در جواب باید گفت که از سجایای پیامبران و اولیای الهی و یا هر حاکم الهی اینست که متناسب با وضع عمومی جامعه زندگی کنند. بنابر این رسول اکرم (ص) و علی (ع) از زندگی مادی کم رنگی برخوردار بوده اند اما در دوران امام صادق (ع) که وضع عمومی جامعه بهبود یافته بود، ایشان نسبت به آن دو بزرگوار از زندگی مادی بهتری برخوردار بوده اند.

پیامبر (ص) و امامان (ع) نیز با فقر ونداری مخالف بوده اند و اگر نه نمی فرمودند:

«الْفَقْرُ سَوَاءٌ الْوَجْهَ فِي الدَّارَيْنِ»

(فقر عامل رو سیاهی انسان در دنیا و آخرت است)



همچنین در حدیث دیگری می فرمایند :

## «لا دینَ لِمَن لا مَعاشَ لَهُ»

(هر که معاش ندارد نمی تواند دین داشته باشد)

بنابر این ایمان را مرتبط با فقر ندانیم و خود را با پیغمبران و اولیای دین مقایسه نکنیم زیرا برای آنکه بالن وجود خود را بلند کنید ابتدا باید طناب را ببریم ، سپس برای بیشتر بالا رفتن کیسه های شن را بیاندازید، اما ما هنوز طناب را نبریده به فکر انداختن کیسه های شن هستیم.

۲- یکی دیگر از باورهای غلط ما اینست که فقر ونداری از قبل در سرنوشت ما نوشته شده است و ما در آینده فقیر خواهیم بود. این باور ابهامات فراوانی دارد زیرا بر اثر تلاش در کسب و کار و احتمالاً به قوانین خاصی که خداوند متعال وضع کرده است رزق و روزی فرد افزایش می یابد. مثلاً داریم :

## «کنج های رزق در اخلاق خوب نهفته است»

از آنجا که اخلاق نیکو از امور اختیاری است پس افزایش یا کاهش روزی نیز به رفتار ما بستگی دارد . همچنین اموری که موجب افزایش روزی می شوند مانند اخلاق نیکو ، تلاش ، انفاق و... از کارهای مورد پسند خدا هستند که یکی از پاداش های دنیوی اش گسترده رزق است بنابراین چگونه می توان گفت که روزی زیاد و ثروت فراوان از دید خدا ناپسند و مذموم است؟

۱- شیخ عباس قمی ، سفینه البحار و مدینه الحکم والاثار ج ۲ ، باب الخاء بعده اللام ص ۶۷

۳- یکی دیگر از باورهای نادرست ما اینست که روزی را از جانب غیر خدا می دانیم. شاید بگویید که اینگونه فکر نمی کنید. اما رفتار ما چیز دیگری را نشان می دهد!

مشکل اینجاست که ما به خدا اعتماد نداریم. لطفاً نگاهی به گذشته بیاندازید ، او لباسمان ، پول تو جیبمان ، از شیر مادر تا نهار امروزمان ، همه را تأمین کرده است . اما ما روزیمان را حاصل تلاش خودمان می دانیم.

این باور نادرست از خطرناک ترین باورهاست که امیدوارم در طی مطالعه ی کتاب بر طرف شود.

۴- از باورهای اشتباه دیگر ما اینست که طلب ثروت را مقارن با دنیا طلبی می دانیم لطفاً برای رفع این باور روایت زیر را بخوانید :

(( شخصی با حالت نگران به محضر امام صادق(ع) آمد و وضعیت روحی و روانی خود را برای آن حضرت به این صورت شرح داد :

« من دنیا و مال دنیا را دوست دارم و مایلیم به آن دست یابم و هر چه بیشتر از دنیا بهره مند شوم »

امام هدف او را از جمع مال و کسب ثروت جویا شدند آن شخص در پاسخ عرض کرد :

«هدفم این است که خودم و عیالم در رفاه و خوشبختی باشیم و با آن صله رحم را بجا آورم و به تهی دستان صدقه بدهم و حج و عمره به جا آورم »

امام فرمودند : **این طلب دنیا نیست بلکه طلب آخرت است** ((۱

بنابراین اسلام با ثروت مخالف نیست بلکه با وابستگی مخالف است و چه بسا فقیری که به دوچرخه اش تعلق خاطر شدیدتری از یک ثروتمند به بنز سفارشی اش داشته باشد. همچنین اسلام به ثروت به دید ابزاری نگاه می کند و خود ثروت را هدف اصلی قرار نمی دهد و با اینکه ثروت را هدف اصلی زندگی قرار دهیم و بنده ی پول شویم مخالف است .

---

۱- محمد یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۷۲، باب الاستعانه بال دنیا علی الاخره حدیث ۱۰

## آیا ما محدودیم و یا خود را محدود کرده ایم؟

در این بخش به نتیجه ی آزمایش ایجاد محدودیت برای برخی موجودات زنده می پردازیم. برآستی آنچه تا کنون درباره ناتوانی های ما به ما گفته شده چه تأثیر عمیق و پنهانی بر ما ذهن ما دارد؟

نتیجه آزمایشات بر حیوانات به سادگی به ما نشان می دهند که چطور محدودیتهای ذهنی تحمیل شده از طرف محیط بر ما تأثیر می گذارد.

برای مثال فیلها را می توان با محدودیت ذهنی کنترل کرد. پای فیلهای سیرک را در مواقعی که نمایش نمی دهند می بندند. بچه فیلها را با طنابهای بلند و فیلهای بزرگ را با طنابهای کوتاه به نظر می آید که باید بر عکس باشد زیرا فیلهای پرقدرت به سادگی می توانند میخ طنابها را از زمین بیرون بکشند ولی این کار را نمی کنند!

علت این است که آنها در بچگی طنابهای بلند را کشیده اند و سعی کرده اند خود را خلاص کنند و سرانجام روزی تسلیم شده و دست از این کار کشیده اند!

از آن پس آنها تا انتهای طناب می روند و می ایستند آنها این محدودیت را پذیرفته اند.

دکتر ادن رایل یک فیلم آموزشی در مورد محدودیتهای تحمیلی تهیه کرده است. نام این فیلم "می‌توانید بر خود غلبه کنید" است.

در این فیلم یک نوع دلفین در تانک بزرگی از آب قرار می‌گیرد، نوعی ماهی که غذای مورد علاقه دلفین است نیز در تانک ریخته می‌شود. دلفین به سرعت ماهیها را می‌خورد. دلفین که گرسنه می‌شود تعدادی ماهی دیگر داخل تانک قرار می‌گیرند ولی این بار در ظروف شیشه‌ای، دلفین به سمت آنها می‌آید ولی هر بار پس از برخورد با محافظ شیشه‌ای به عقب رانده می‌شود پس از مدتی دلفین از حمله دست می‌کشد و وجود ماهیها را ندیده می‌گیرد. محافظ شیشه‌ای برداشته می‌شود و ماهیها در داخل تانک به حرکت در می‌آیند. آیا می‌دانید چه اتفاقی می‌افتد؟ دلفین از گرسنگی می‌میرد غذای مورد علاقه او در اطرافش فراوان است ولی محدودیتی که دلفین پذیرفته است او را از گرسنگی می‌کشد.

از آنجا که نحوه‌ی عملکرد مغز جانوران از این نظر بسیار شبیه به هم است ما می‌توانیم از این آزمایشات بفهمیم که ما هم محدودیت‌هایی را می‌پذیریم که واقعی نیستند. به ما می‌گویند یا ما به خود می‌گوییم نمی‌توان فلان کار را انجام داد و این برای ما یک واقعیت می‌شود محدودیتهای ذهنی به محدودیتهای واقعی تبدیل می‌شوند!!!

**باید این سوال مهم را از خود بپرسیم که چه مقدار از آنچه ما واقعیت می‌پنداریم، واقعیت نیست بلکه پذیرش ماست؟**

بنابراین اگر شما در گذشته فقیر بوده‌اید و تصور می‌کنید که در آینده هم فقر در انتظارتان است، پس شما این محدودیت را پذیرفته‌اید زیرا در معادله‌ی زندگی گذشته مساوی آینده نیست.

**گذشته  $\neq$  آینده**

با توجه به ابتدای بحث دریافتیم که اصل باور اصل تعیین کننده ایست که برخی از نظریه پردازان موفقیت از این اصل به عنوان مهمترین اصل موفقیت یاد می کنند و به تفصیل به آن پرداخته اند. اما راز و رمز پنهان در مثبت اندیشی چیست؟ و آیا در اسلام سندی بر این مدعا وجود دارد؟

برای پرداختن به این اصل پر رمز و راز باید گفت که علت تأثیر این اصل قانونی است که خداوند متعال قرار داده است تا بالای برای پرواز انسانهای نیکو اندیش فراهم سازد تا جایی که گمان نیکو را به این دنیا محدود نکرده و خوش گمانی نسبت به آخرت را نیز بی تأثیر نمیداند. اما این قانون الهی چیست که تا این حد به گمان نیکوی ما اعتبار می بخشد؟

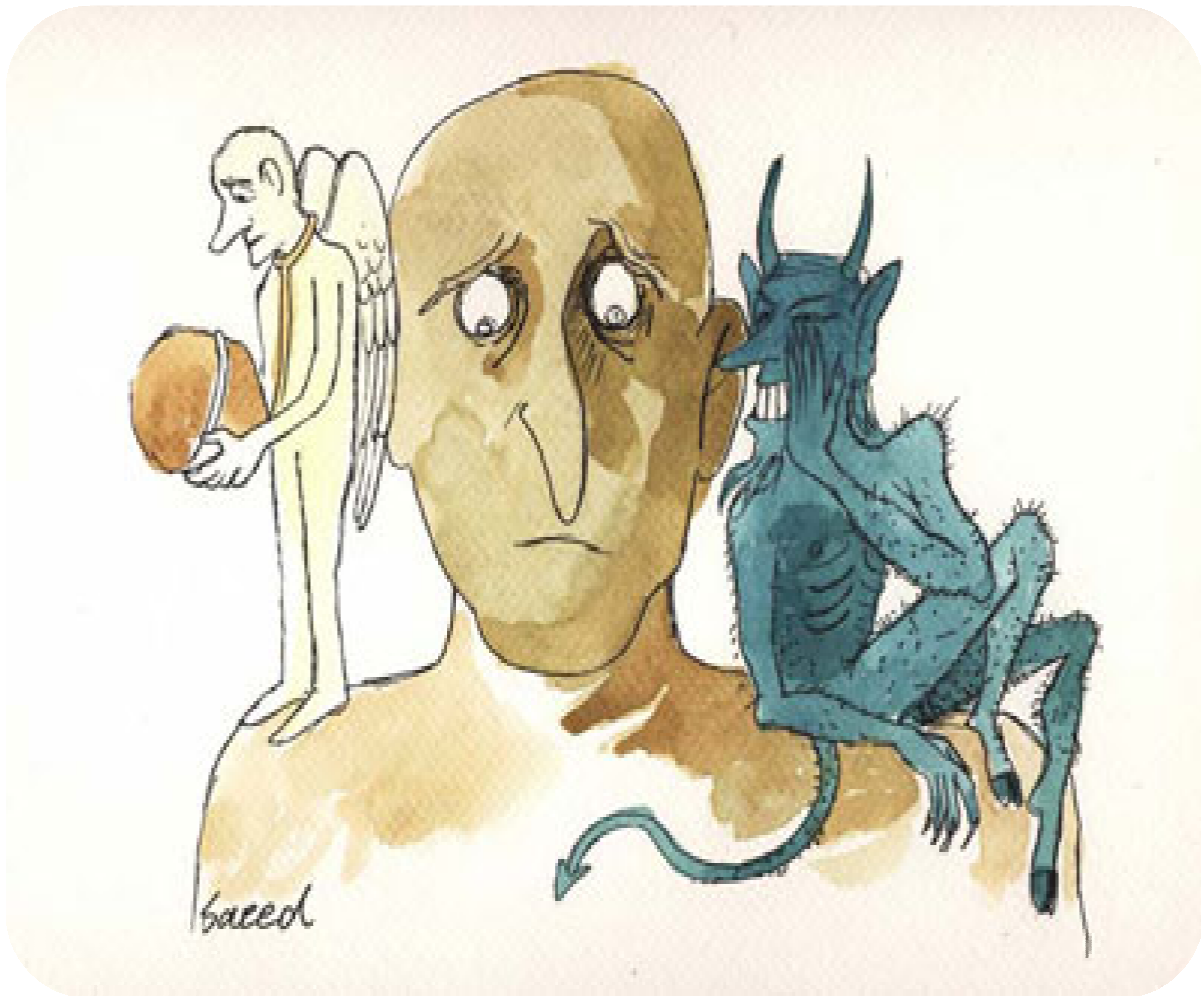
امام باقر (ع) می فرمایند:

(( در کتاب علی (ع) یافتیم که رسول خدا (ص) بر فراز منبر فرمود: ... و سوگند به خدایی که جز او معبودی نیست هیچ بنده ی مؤمنی گمان نیکو به خداوند نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نیکوی او حاضر است (پاداش نیکو به او میدهد) زیرا خداوند بخشنده است تمامی خیر در دست اوست و شرم دارد از اینکه بنده ی مؤمنش به او گمان نیکی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به خطا رود پس به خداوند گمان نیکو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری کنید )) ۲

همچنین از امام رضا (ع) روایت است که می فرمایند:

(( گمان نیکو به خداوند داشته باشید زیرا خدای عز و جل می فرماید : من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد )) ۱

در دیدگاه اسلام باور های منفی و ناامیدی بسیار ناپسند و مذموم هستند زیرا شما از خدایی ناامید شده اید که هیچ کاری در عالم وجود ندارد که از توانایی اش خارج باشد . در واقع ناامیدی از قدرتمند ترین ابزارهای در دست شیطان است.



baeed



بنابر این باورهای منفی تان را دور بریزید زیرا طبق باورهایتان با شما برخورد خواهد شد . اما چگونه باورهای منفی مان را دور بریزیم ؟ برای اینکه باورهای منفی مان را از بین ببریم دو راه حل خوب و معتبر داریم:

۱- رسول اکرم (ص) می فرمایند:

**(( توکل بر خداوند پیش بینی منفی (باور منفی) را پوشانده و از بین می برد ))**<sup>۱</sup>

در واقع توکل بر خداوند امید دهنده است زیرا شما به خدایی پناه برده اید که هیچ مانعی برای او تعریف نمی شود . همچنین توکل بر خداوند بهترین راه برای دور کردن شیطان است .  
احتمالاً مثبت اندیشی و امیدواری بی نظیری که از بزرگان علم و دین سراغ داریم نیز بدلیل توکل عمیق شان به خدا بوده است .

---

۱- محمد حسین طباطبایی تفسیر المیزان ج ۱۹ ص ۷۱



۲- امام صادق (ع) می فرمایند:

(( تأثیر پیش بینی و باور منفی به تو وابسته است ، اگر آن را آسان گیری آسان می شود و اگر سخت گیری مشکل می شود و اگر آن را به هیچ نگیری هیچ وبی اثر می شود ))<sup>۱</sup>

در واقع پروراندن تفکر منفی و نا امیدي در ذهن سبب تثبیت شدن آن در ذهن می شود تا جایی که ضمیر ناخود آگاه تان منفی نگری را عادت شمرده و نسبت به امور دیگر نیز منفی نگر خواهید شد .  
بنابر این با باورهای منفی تان طبق دستور امام صادق (ع) برخورد کنید تا نسبت به منفی نگری شرطی نشوید.

شاید جالب باشد بدانید که بیشتر روشهای مبارزه با منفی نگری از زبان نظریه پردازان غربی مانند شرطی سازی از نگاه آنتونی رابینز را می توان از این حدیث استخراج کرد.  
هنگامی که تفکرات منفی به شما روی می آورند ذهن تان را روی موضوع دیگری تمرکز دهید . به ستارگان ، کهکشانها و هرچیز دیگری که ذهن شما را از آن فکر منفی خارج کند فکر کنید .  
باید روی موضوعی تمرکز کنید که بتواند احساس خوبی به شما بدهد تا بدین صورت تفکرات منفی را کم رنگ کنید . باید فکر منفی را با فکر مثبت جایگزین کنید. به همین سادگی!؟

مطمئن باشید که اگر خدا نخواهد حتی از یک اکسیژن هم نمی توانید تنفس کنید، پس برای رسیدن به خواسته تان باید او را راضی کنید و قوانینی را که وضع کرده انجام دهید زیرا خود او فرموده که به هر کسی که بخواهد می بخشد . حالا شما باید کاری کنید که او بخواهد بشما روزی بیشتری بدهد . خوشبختانه راه هایش را به ما گفته و از این به بعد به این اصول می پردازیم .

«وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» ۱

(هر فضل و نعمتی بدست خداست که او بهر که خواهد می بخشد و خدا دارای فضل و رحمتی بی پایان است)

## راه دوم: دعا و درخواست

(( وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ))<sup>۱</sup>

(و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم)

آیا خداوند راهی برای گفتگو با خودش برای ما قرار داده است؟

آیا خداوند به خواسته هایمان توجه دارد؟

آیا خداوند ...؟

.  
.
   
.

چرا در اسلام شبی به نام شب آرزوها وجود دارد؟ شب قدر وجود دارد؟  
و چرا هر شب جمعه را فضیلت داد و زمان درخواست قرار داد؟  
و چرا هر سحر را فضیلت داد و زمان گفتگو با خودش قرار داد؟  
و چرا...؟

آری هر لحظه که اراده کنید می توانید با او گفتگو کنید.

آیا این بهترین نعمت کائنات نیست؟

مسئله ی دعا برای خداوند بسیار مهم است و او مایل به درخواست و طلب کردن ماست تا آنجا که در قسمتی از آیه ی ۷۷ فرقان می فرماید:

(( قُلْ مَا يَعْجَبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ))

(بگو اگر دعای شما نباشد پروردگار من هیچ اعتنایی به شما نمی کند)

راز های شگفت انگیز دعا هنگامی مشخص می شود که پیامبر (ص) می فرمایند:

(( قضا را رد نمی کند مگر دعا ))<sup>۱</sup>

یعنی اگر فقر و نداری یا هر چیز دیگری در سرنوشت ما حتمیت یافته باشد با دعا تغییر می کند . البته نباید دعا را به تأخیر انداخت زیرا ممکن است کار از کار بگذرد.

امام صادق (ع) نیز در باب اهمیت دعا می فرمایند:

((دعا قضای مبرم و حتمی را بر می گرداند پس دعا بسیار کنید که کلید همه ی رحمت و رستگاری ها و کلید برآمدن هر حاجت است و مردم به آنچه نزد خدا دارند نمی رسند مگر به دعا چون هیچ دری نیست که وقتی بسیار کوبیده شود بر روی کوبنده باز نگردد))<sup>۲</sup>

- دعا از اموری است که نه تنها اسلام به آن سفارش کرده بلکه سفارشی است همگانی برای ارتباط با منبع لا یزال الهی تا جایی که برخی از نویسندگان غربی بدان سفارش می کنند و برخی دیگر آن را در غالب جملات تأکیدی می گنجانند .

دکتر آکسیس کارل مینویسد:

((دعا قوی ترین شکل انرژی است که یک انسان می تواند تولید کند... ، دعا مثل منبع رادیوم است و از خود انرژی ساطع می کند در دعا انسان سعی می کند خود را به منبع اصلی ولا یزال انرژی متصل سازد))<sup>۱</sup>

موضوع دعا محدود به خواسته های بزرگ نمی شود و شاید خداوند دعا را بهانه ای برای گفتگوی بشر با خودش قرار داده است تا جایی که در حدیثی قدسی به موسی (ع) می فرماید :

((ای موسی از ما آنچه احتیاج داری درخواست کن حتی علوفه ی گوسفندت و نمک خمیرت را از من بخواه))<sup>۲</sup>

بنابر این با خداوند تعارف نکنید و گمان نکنید که خواسته تان باید بزرگ باشد زیرا او برآورنده ی همه ی نیازهای شماست نه فقط خواسته های بزرگتان.

تا به اینجا اهمیت دعا روشن شد ، اما یکی از شروط دعا یقین داشتن به اجابت آن است تا جایی که رسول اکرم (ص) می فرمایند :

**(( در حالی دعا کنید که یقین به اجابتش داشته باشید ))** ۱

در این خصوص امام صادق (ع) نیز می فرمایند :

**((آن هنگام که خدا را برای خواسته ای صدا زدی باید این گونه باور داشته باشی که آنچه را که از خدا خواستی در پشت در است و تو می توانی آن را برداری ))**

بنابراین برای استجاب دعا باید قلباً آن هم از خدا بخواهید و راه استجابتش را به او بسپارید . زیرا اگر شما چند سال است که بنده اید او خیلی سال است که خداست.

## اما شرط دیگر دعا چیست؟

خدای متعال در قسمتی از آیه ی ۱۸۶ بقره می فرماید:

(( وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ))

( وچون بندگانم از تو سراغ مرا می گیرند بدانند که من نزدیکم و دعوت دعا کنندگان را اجابت می کنم پس بایست دعوت مرا بپذیرند و به من بگردند باشد که به راه سعادت راه یابند )

علامه طباطبایی در قسمتی از تفسیر آیه ی ۱۸۶ بقره در مورد کسانی که لفظاً دعا می کنند می فرماید:

((دعا دعای واقعی هست لیکن در دعا خدا را نمیخواند به این معنا که به زبان از خدا مسألت می کند ولی در دل همه ی امیدش به امور وهمی است، اموری که توهم کرده در زندگی او مؤثرند))<sup>۱</sup>

آری به خداوند اعتماد داشته باشید و به اجابت دعایتان یقین داشته باشید زیرا خود او فرموده که :

((بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را))<sup>۲</sup>

همچنین در عبارتی بسیار زیبا از دعای ابو حمزه ثمالی از زبان امام سجاد(ع) میخوانیم:

((ای خدا تو خود فرمودی و سخن تو حق و وعده تو حقیقت است فرمودی هر چه می خواهید از فضل و کرم خدا بخواهید که خدا بشما بندگان همیشه مهربان است و ای مولای من این از صفات نیست که بندگان را امر به سؤالی کنی و چون سؤال (درخواست) کنند عطای خود را از آنها دریغ داری))<sup>۱</sup>

آری این از صفات خداوند بخشنده نیست که خلاف آنچه وعده داده عمل کند بلکه ما هستیم که یقین نداریم.

---

۱- ابو حمزه ی ثمالی



هرگاه قوانین خواستن را رعایت کردید مطمئن باشید که خداوند آن را مستجاب می کند اما گاهی اجابتش را به تأخیر می اندازد و یا موارد دیگر که توضیح کامل آن را در نامه ی ۳۱ نهج البلاغه یافتیم .

امیرالمؤمنین (ع) می فرمایند:

((هرگز از تأخیر اجابت دعا نا امید مباش زیرا بخشایش الهی به اندازه نیت است گاه در اجابت دعا تأخیر می شود تا پاداش در خواست کننده بیشتر و جزای آرزومند کاملتر شود . گاهی در خواست می کنی اما پاسخ داده نمی شود زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی یا در وقت مشخص به تو خواهد بخشید یا به جهت اعطاء بهتر از آنچه خواستی دعا به اجابت نمی رسد))

بنابراین دعا نتیجه ای شگفت انگیز دارد چه به اجابت برسد ، به تأخیر بیفتد یا به اجابت نرسد . تاجایی که خدای متعال در آیه ی ۲۱۶ بقره می فرماید:

((...وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ))<sup>۱</sup>

(( چه بسیار شود که چیزی را شما ناپسند دارید اما خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود که چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نمی دانید ))

وبه قول حافظ

هان مشونمید چون واقف نی از سرغیب

باشد اندر پرده بازی های پنهان غم مخور

تنها بازمانده

« بازمانده یک کشتی شکسته به جزیره ی کوچک خالی از سکنه ای افتاد. او با دلی لرزان دعا کرد که خدا نجاتش بدهد. اگر چه روزها را به دنبال پیدا کردن کمک می گذراند، اما کسی نمی آمد. سرانجام خسته و از پا افتاده موفق شد از تخته پاره ها، کلبه ای بسازد تا خود را از عوامل زیان بار محافظت کند و اندک دارائی های اش را در آن نگه دارد.

اما روزی که برای جستجوی غذا بیرون رفته بود به هنگام برگشتن دید که کلبه اش در حال سوختن است و دودی از آن به سوی آسمان می رود! متأسفانه بدترین حادثه اتفاق افتاده بود و همه چیز از دست رفته بود.

از شدت خشم و اندوه فریاد زد: خدایا چطور راضی شدی با من چنین کاری بکنی؟

آن شب گذشت و صبح روز بعد با بوق کشتی ای که به ساحل نزدیک می شد از خواب پرید.

کشتی آمده بود که نجاتش دهد! مردخسته از نجات دهندگان پرسید: شماها از کجا فهمیدید من در این جا هستم؟

آنها جواب دادند: ما متوجه علایمی که با دود می دادی شدیم.»

**اگر از حکمت خیری که خداوند بر ایمان  
قرار داده مطلع نیستیم، حداقل آن را انکار نکنیم.**

- از دیگر شروط دعا کردن این است که هرگز امیدتان به غیر خدا نباشد و تمام امیدتان را به سمت خدا معطوف کنید زیرا رسول اکرم(ص) می فرمایند :

(( خدای تعالی فرموده هیچ مخلوقی دست به دامن مخلوق دیگر نمی شود مگر آنکه من رشته اسباب آسمانها و اسباب زمین را علیه او قطع می کنم . دیگر اگر از من چیزی بخواهد عطایش نمی کنم اگر به در گاهم دعا کند دعایش را اجابت نمی سازم و هیچ مخلوقی دست به دامن خود من نمی شود و چشم امید از مخلوق من نمی پوشد مگر آنکه آسمانها و زمین را ضامن رزقش می کنم آن وقت اگر دعا کند اجابت می کنم و اگر حاجت بخواهد بر می آورم و اگر طلب آمرزش کند او را می آمرزم ))<sup>۱</sup>

لطفاً اشتباه نکنید زیرا خداوند روزی شما را از طریق بندگان دیگرش تأمین می کند . اما آنچه از این حدیث نتیجه می شود این است که آنچه از روزی بدستتان می رسد از خداست ، نه از غیر او . بنابراین باید از او درخواست کرد و دست به دامن او شد .

در این رابطه داستان زاهدی که حکمت الهی را در مورد واسطه های خداوند نادیده گرفته بود در بخش توکل ذکر خواهیم کرد.

در این بخش راهی مفید برای دعا کردن را از علی (ع) می آموزیم .  
علی (ع) می فرمایند:

((هر گاه از خدای سبحان در خواستی داری ابتدا بر پیامبر (ص) درود بفرست سپس حاجت خود را بخواه زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده یکی را برآورد و دیگری را را باز دارد))<sup>۱</sup>

این نحوه ی دعا کردن خصوصاً در صحیفه ی سجادیه مکرر مورد استفاده قرار گرفته است و این موضوع بر اهمیت حکمت ۳۶۱ نهج البلاغه می افزاید.

اگر بخواهم چکیده ای از این قسمت ارائه دهم باید به قسمتی از نصایح علی (ع) به امام حسن (ع) اشاره کنم.

ایشان می فرمایند:

((واز گنجینه های رحمت او چیزهایی را درخواست کن که جز او کسی نمی تواند عطا کند، مانند عمر بیشتر، تندرستی بدن و گشایش در روزی . سپس خداوند کلید های گنجینه های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه ی دعا کردن داد پس هرگاه اراده کردی می توانی با دعا درهای رحمت خدا را بگشایی تا باران رحمت الهی بر تو ببارد...))<sup>۲</sup>

## راه سوم: توکل

«وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»<sup>۱</sup>

(هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد)

براستی چگونه می توان پشتیبانی بهتر و قدرتمند تر از خدا یافت و آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست . با توکل بر او هیچ نگرانی از بابت تمام عالم نخواهید داشت و او از کارتان چاره جویی خواهد کرد. در واقع او تنها پناهی است که کافی است و همیشه با شماست و هر وقت اراده کنید می توانید با او گفتگو کنید.

امام صادق (ع) می فرمایند:

((خداوند به داوود (ع) وحی کرد: هر بنده ای از بندگام به جای پناه بردن به دیگری با نیت خالص به من پناه آورد از کارش چاره جویی می کنم اگر چه همه ی آسمان ها و زمین و هر چه در آن هاست علیه او توطئه کنند))<sup>۲</sup>

اما توکل بر خدا چه ارتباطی به ثروتمندی دارد که به عنوان اصل سوم قرار گرفته است؟

امام صادق (ع) می فرمایند:

« ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه  
به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می کنند»

توکل کن بر خدای ملرزان پای و دست

که رزق تو بر تو ز تو مشتاق تر است

توکل از اموری است که تنها مورد توجه اسلام نیست ، تا جایی که ویلیام جیمز از بزرگترین فیلسوفان و روانشناسان غرب می گوید:

(( ما و خدا با هم کار داریم و اگر خودمان را به اراده ی او بسپاریم عمیق ترین خواسته های ما تحقق می یابد ))<sup>۱</sup>

همچنین لوئیزی می نویسد:

(( قدرتی که ما را آفریده و به اندازه یک عمر به ما نفس داده آیا نمی توانیم اعتماد کنیم سایر نیازهای ما را نیز تأمین خواهد کرد؟ ))<sup>۲</sup>

اما معنای اصلی توکل چیست؟ و چه توکلی اثر بخش است؟

توکل به معنای اعتماد بر خدا و سپردن نتیجه ی کارها به خداست. انسان متوکل خداوند را تکیه گاهی مطمئن برای خود قرار می دهد و امورش را به او می سپارد. توجه کنید که توکل کردن به معنای گفتن یک جمله نیست بلکه امری قلبی و درونی است و در این صورت است که مؤثر واقع می شود. در واقع توکل وقتی معنا دارد که انسان مسئولیت و وظیفه ی خود را به خوبی انجام دهد یعنی فکر و اندیشه اش را به کار ببندد ، مشورت کند ، بهترین راه ممکن را انتخاب کند و با عزم و اراده ی محکم برای رسیدن به مقصود تلاش کند. در این صورت است که می توان بر خداوند توکل کرد.

۲- لوئیزی می شفای زندگی ص ۲۱۶

۱- دیل کارنگی ، آیین زندگی ص ۲۰۸

توکل جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همت ، تعقل و پشتکار است . در واقع توکل کننده ی واقعی از ابزار و اسباب بهره می جوید زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی توجهی به آنها بی توجهی به حکمت و علم الهی است .

کر توکل می کنی در کار کن

کشت کن پس تکیه بر جبار کن

برای درک بهتر موضوع داستان زاهدی را که معنای اصلی توکل را متوجه نبود ، مرور می کنیم.  
خلاصه ی داستان از این قرار است که:

« روزی زاهدی از شهر بیرون رفت و می خواست روزی اش را مستقیماً از خدا دریافت کند . چند روزی گذشت و نزدیک بود که زاهد از گرسنگی بمیرد .

زاهد به خدا عرض کرد :

پروردگارا روزی مرا برسان و اگر نه جانم بستان و راحتم کن .

خطاب رسید :

به عزت و جلالم سوگند روزی تو را نمی دهم مگر آن که به اجتماع روی آوری و با مردم زندگی کنی.

زاهد از کوه به زیر آمد و روانه ی شهر شد .



وقتی به میان مردم رسید یکی برایش آب آورد و دیگری نان و غذا

آنگاه خداوند به او خطاب کرد:

ای زاهد! تو می خواستی با زهدت حکمت مرا باطل کنی ، مگر  
نمیدانی فراهم ساختن روزی بندگانم به دست بندگانم در نزد من محبوب  
تر است از آنکه بدون واسطه روزی برسانم»<sup>۱</sup>

- هر آنچه در این کتاب می خوانید بر این فرض است که اهل کار و  
تلاش هستید واگر نه هیچ کدام از اینها فایده ای ندارد و توکل زبانی که  
در عمل آشکار نمی شود مانند اتومبیل بدون سوخت ، بی فایده است.

اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر کار و تلاش به همراهی توکل بر خداوند  
تأکید کرده اند و کسانی را که اهل کار و فعالیت نبودند و خود را توکل  
کننده به خدا می پنداشتند ، سر بار دیگران می دانستند.

اهمیت کار و فعالیت از دیدگاه بزرگان بسیار زیاد است تا جایی که  
رسول خدا (ص) می فرماید:

((کسی که روزی خود را با کار و تلاش تهیه نماید ، در قیامت در  
شمار انبیا قرار می گیرد و ثواب آنان را دریافت میکند))<sup>۲</sup>

۱-جامع السادات ، ملا مهدی نراقی وج ۳ ص ۲۲۸

۲- مستدرک الوسائل ج ۲ باب ۸ حدیث ۸

همچنین امیر المومنین (ع) نیز بی کاری و تنبلی را عامل فقر می دانند .

ایشان می فرمایند:

(( زمانی که چیز های مختلف با هم همراه می شدند ، تنبلی و نا توانی با هم عقد زوجیت بستند و فرزندى به نام فقر از آنان متولد شد))<sup>۱</sup>

- از مشکلات امروز ما بی کاری نیست بلکه تن ندادن به کار است تا جایی که می گوئیم فلان کار در شأن ما نیست .

- آیا کشاورزی و کندن چاه در شأن علی (ع) بوده است؟

جواب این سوال را در رباعی بسیار زیبایی از ایشان می خوانیم:

لَتَقْلَ الصَّخْرَ مِنَ قُلَلِ الْجِبَالِ  
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مَنِّ الرِّجَالِ

يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ  
فَلِنَّ الْعَارَ فِي ذُلِّ السُّؤَالِ ٢

۲-مرتضی مطهری تعلیم و تربیت در اسلام ص ۴۲۴

۱-وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۳۶

عمل صحزه‌های سترک از قله‌ی کوه‌های رفیع

از بار منت آدمیان بر ایم دوست داشتنی تراست

برخی به من می‌گویند: کسب و کار برای تو ننگ است

اما ننگ و عار در دلت و خواری در خواست از دیگران است

علی (ع)

و به قول سعدی:

« حکیمان گفته‌اند: آب حیات اگر فروشدنی المثل آب روی، و اناخرد که مردن بعلت به از زندگانی به مذلت » ۱

---

۱- گلستان سعدی، باب قناعت، حکایت نهم، جوانمردی در جنگ تاتار...

اهمیت موضوع کسب و کار هنگامی روشن می شود که رسول اکرم (ص) بزرگترین انسان در عالم بر دستان سعد انصاری بوسه زد.

اما مگر سعد چه کرده بود؟

موضوع از این قرار است که :

((زمانی که پیامبر اعظم (ص) از جنگ تبوک به مدینه باز گشت سعد انصاری که نتوانسته بود همراه پیامبر (ص) به جنگ برود به استقبال آن حضرت آمد . وقتی پیامبر (ص) دستان خشک و خشن و ترکیده او را دید ، از او پرسید : صدمه ای به دستانت رسیده است؟ سعد در پاسخ گفت : برای تأمین مخارج اهل و عیالم با طناب کار می کنم پیامبر بر دستان او بوسه زد و فرمود : این دست کسی است که در آتش جهنم نمی سوزد))<sup>۱</sup>

نتیجه این که اسلام هرگز کار کردن و تلاش برای تأمین معاش را جدای از عبادت و پرستش نمی داند و تلاش بی توکل یا توکل بی تلاش را بی اثر می داند.

احتمالاً پیش خود می گویند که بالاخره چگونه باید توکل کرد.

برای روشن شدن کامل موضوع داستان کوهنورد را نیز با هم مرور می کنیم.

جریان از این قرار است که:

« یک کوهنورد تصمیم گرفت که از بلندترین کوه ها بالا برود. او پس از سالها آماده سازی ماجراجویی خود را آغاز کرد. ولی از آنجا که افتخار کار را فقط برای خود می خواست تصمیم گرفت به تنهایی از کوه بالا برود.

شب بود، ابر روی ماه و ستاره ها را پوشانده بود، بلندی های کوه را در برگرفته بود و مرد هیچ چیز را نمی دید. همان طور که از کوه بالا می رفت پایش سُ خورد و در حالی که به سرعت سقوط می کرد از کوه پرت شد. وحشت تمام وجودش را فرا گرفته بود.

همچنانکه سقوط می کرد خودش رو برای مردن آماده کرده بود که ناگهان احساس کرد طناب دور کمرش محکم شد و در میان آسمان و زمین معلق ماند.

با تمام وجدش فریاد زد: خدایا کمک کن

- ناگهان صدای پرطنینی از آسمان شنیده شد: چه می خواهی؟

- ای خدا نجاتم بده

- صدا ادامه داد: واقعاً باور داری که می توانم نجاتت دهم؟

- البته که باور دارم.

- صدا همچنان کوهنورد را همراهی میکرد:

اگر باور داری طنابی که به دور کمرت بسته است پاره کن.

- یک لحظه سکوت کرد . . . ! مردد شده بود .

دوباره صدا کرد . خدایا من از تو کمک می خواهم اما تو میگویی که...

- از آسمان باز هم همان ندا آمد .

- سومین بار با عصبانیت بیشتری فریاد زد . اما خداوند باز هم با مهربانی همان پاسخ را داد.

و لی مرد تصمیم گرفت با تمام نیرو طناب را بچسبد.

روز بعد یک کوهنورد یخ زده را مرده پیدا کردند ، گروه نجات می گویند که بدنش از طناب آویزان بود و با دست هایش محکم طناب را گرفته بود درحالی که او فقط یک متر از زمین فاصله داشت»

## راه چهارم: شکر گزاری

((وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ))<sup>۲</sup>

(ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما فراهم ساختیم ، اما کمتر شکر گزاری می کنید )  
اعراف ۱۰

### انسان ناسپاس

«روزی مردی خواب عجیبی دید . دید که پیش فرشته هاست و به کارهای آنها نگاه میکند . هنگام ورود دسته بزرگی از فرشتگان را دید که سخت مشغول کارند و تند تند نامه هایی را که توسط پیکها از زمین میرسد ، باز میکنند و آنها را داخل جعبه میگذارند . مرد از فرشته ای پرسید شما چه کار میکنید ؟ فرشته درحالی که داشت نامه ای را باز میکرد گفت: این جا بخش دریافت است و ما دعاها و تقاضاهای مردم از خداوند را تحویل میگیریم.

مرد کمی جلوتر رفت ، باز تعدادی از فرشتگان را دید که کاغذهایی را داخل پاکت میگذارند و آنها را توسط پیکهایی به زمین می فرستند .

مرد پرسید : شماها چه کار میکنید؟ یکی از فرشتگان با عجله گفت: این جا بخش ارسال است ما الطاف و رحمت های خداوندی را برای بندگان می فرستیم.

مرد کمی جلوتر رفت و دید فرشته ای بیکار نشسته است ، با تعجب پرسید : شما چرا بیکارید؟

فرشته جواب داد: این جا بخش تصدیق جواب است. مردمی که دعاهایشان مستجاب شده باید جواب بفرستند ولی فقط عده بسیار کمی جواب می دهند.

مرد از فرشته پرسید: مردم چگونه می توانند جواب بفرستند ؟

فرشته پاسخ داد : بسیار ساده است فقط کافی است بگویند:

## خدایا شکر ! «

بر خلاف قوانین الهی ما انسانها بسیار کم شکر گزاری می کنیم. پس چگونه میتوانیم انتظار داشته باشیم که جواب نا سپاسی محبت بیشتر باشد و او روزی بیشتری به ما ببخشد.

خداوند متعال در ۳۱ آیه از ۷۸ آیه ی سوره ی الرحمن می فرماید:

((فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)) ۳

(پس کدامین نعمت های پروردگارتان را تکذیب میکنید)

که همگی نشان از ناسپاسی ما از خداوند است.

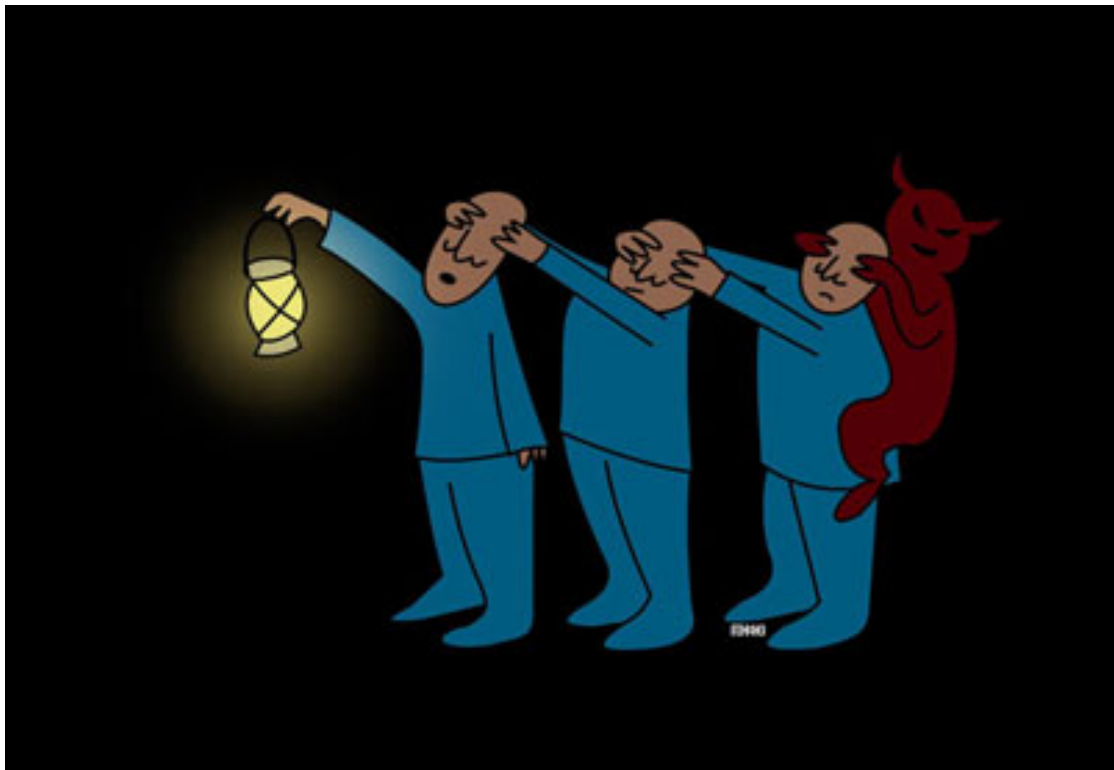
اما دلیل این غفلت بزرگ ما در چیست؟ باید بگویم که موضع شیطان در عدم شکر گزاریمان صریح و قاطع است زیرا در سوره ی اعراف می خوانیم:

« قَالَ فِيمَا آغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۚ ۱۶ ثُمَّ لَأَتَيْنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ »



(( شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگانت را از راه راست که شرع و آیین توست گمراه گردانم ۱۶ آنگاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می آیم تا بیشتر آنان شکر نعمت بجای نیاورند)) ۱

بنابراین اگر نسبت به شکر گزاری سستی می کنیم و آن را کوچک می پنداریم دلیلش این است که دشمن مشترکمان بیکار ننشسته و مخالف موفقیت های دنیا و آخرت ما است.



موضوع شکر گزاری برای خدا بسیار مهم است و پاداش آن را افزونی نعمت قرار داده و عدم شکر گزاری را با محرومیت قرین ساخته است. تاجایی که امام سجاد (ع) در دعای ابو حمزه ثمالی می فرماید :

« شاید دیدی که من شکر گزاری از نعمت هایت  
نمی کنم مرا محروم ساختی »

علاوه بر این که عوامل الهی در مورد پاداش شکر گزاری صادق هستند و خدای رحمان پاداش شکر گزاری را افزونی قرار داده است، رابطه ی محسوسی نیز بین ثروتمندی و شکر گزای وجود دارد به این ترتیب که اگر شما فکرتان را روی داشته هایتان متمرکز کنید ، احساس ثروت خواهید کرد و ضمیر ناخودآگاهتان شما را ثروتمند می پندارد هر چند که ثروتمند نباشید . خلاصه این که بسیاری از نظریه پردازان موفقیت معتقدند که احساس ثروتمندی یکی از راههای ثروتمند شدن است و بهترین راه تمرکز روی داشته هایتان شکرگزاری است. در واقع شما با شکر گزاری از خداوند برای آنچه به شما عطا کرده ، از ذهنیت نداری نجات پیدا می کنید و اینگونه است که در می یابید احساس فقر چقدر مضحک است. آری واقعاً احساس نداری بسیار مضحک است.

آیا گندم نانی که میخورید، خودتان می کارید، برداشت میکنید و می سائید؟  
آیا نمک سفره تان را از معدن می آورید؟  
آیا شما باران را از آسمان می بارانید ؟  
آیا شما...؟

در واقع ما بسیار ثروتمند هستیم اگر و فقط اگر به داشته هایمان پی ببریم!

پس چرا شکر نعمت بجا نمی آوریم؟

دکتر وین دایر می نویسد:

(( نخستین گام برای خلاص شدن از شر ذهنیت نداری آن است که از آنچه هستیم و داریم قدر دانی کنیم . سپاسگزاری باید به صراحت بیان شود . باخلوص نیت از وجودتان که یکی از معجزه های آفرینش است سپاسگزاری کنید از این که زنده اید دارای چشم و گوش و پا هستید و هم اکنون در اینجا شاهد رویایی شگفت انگیز هستید شاکر باشید ، بکوشید آنچه دارید مرکز توجه قرار دهید و نه آنچه فاقد آن هستید ))

اگر نگاهی به آمار کلی دنیا ببینیم در میابیم که چقدر خوشبخت هستیم و خودمان خبر نداریم!!!

بیشتر جوانان تصور می کنند که همه از آنان خوشبخت ترند اما در واقع چنین نیست . با یک محاسبه سر انگشتی به این موضوع پی خواهیم برد. فرض کنید که اگر جمعیت زمین ۱۰۰ نفر باشد با نسبت هایی که امروز وجود دارد خواهیم داشت:

- از هر ۱۰۰ نفر ۵۷ نفر آسیایی ۲۱ نفر اروپایی ۸ نفر آفریقایی و ۶ نفر آمریکایی جنوبی و شمالی .

- از هر ۱۰۰ نفر ۵۲ نفر زن و ۴۸ نفر مرد .

- از هر ۱۰۰ نفر ۳۰ نفر سفید پوست و ۷۰ نفر رنگین پوست .

- از هر ۱۰۰ نفر ۸۰ نفر در فقر زندگی می کنند.

- از هر ۱۰۰ نفر ۷۰ نفر می توانند بخوانند.

- از هر ۱۰۰ نفر فقط یک نفر تحصیلات عالی دارد.

- از هر ۱۰۰ نفر فقط یک نفر رایانه دارد.

- اگر شما هرگز مرگ خویشاوندی را در جنگ ندیده اید و هرگز برده نبوده اید بدانید که از ۵۰۰ میلیون نفر خوشبخت ترید زیرا آنها دیده اند.

- اگر خوراکتان در یخچال و پوشاکتان را در کمد نگهداری می کنید . اگر سققی بالا سر و جایی برای خواب دارید بدانید از ۵۷٪ کل جمعیت دنیا ثروتمند ترید زیرا که از هر ۱۰۰ نفر ۵۷ نفر این امکانات را ندارند.

- اگر امروز که بیدار شدید بیشتر احساس سلامت کردید تا مریضی شما خوشبخت تر از یک میلیون نفرید که تا آخر این هفته بیشتر زنده نیستند.

- اگر هیچ وقت خطر جنگ را تجربه نکرده اید و تنهایی زندان را حس نکرده اید در شمار ۵۰۰ میلیون نفر آدم خوشبخت دنیا هستید.

- اگر می توانی در یک جلسه ی مذهبی شرکت کنید بدون اینکه اذیت و آزار و دستگیری و شکنجه و وحشت از مرگ داشته باشید خوشبخت تر از ۳ میلیون نفر در جهان هستید که با ترس و لرز و بیم از مرگ در مراسم مذهبی شرکت می کنند.

- اگر در جیب یا کیف پولی خود پول دارید و می توانید گاهی کمی پول خرج کنید جزء ۸٪ آدم پولدار دنیایی.

- اگر سرت را بالا می گیری و لبخند می زنی و احساس خوبی داری تو خوشبختی چون خیلی ها می توانند این کار را بکنند ولی بسیاری نمی کنند.

- اگر امروز و دیروز دعا کردی واقعا خوشبختی چون اعتقاد داری خدا صدای ما را می شنود و به ما جواب می دهد.

.

.

.

**با این توصیف آیا احساس نداری مضحک نیست؟؟؟**

(( وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ))<sup>۱</sup>

(وباز به خاطر آرید وقتی که خدا اعلام فرمود که اگر شما بندگان شکر بجای آرید بر نعمت شما می افزایم و اگر کفران کنید به عذاب شدید گرفتار می کنم)

یکی از مهمترین نتایجی که از مستند راز می توان دریافت کرد استفاده از سنگ شکرگزاری است بدین ترتیب که سنگ یا شیء خاصی را مشخص کنید تا هر وقت آن را لمس کردید یا دیدید یکی از نعمت های خدا به خودتان را شکر کنید تا متوجه آرامش و گسترده‌گی رزق حاصل از آن شوید . با تمام قلبتان از نعمت هایی که خداوند به شما داده است شاکر باشید ، بصورتی که احساس ثروت و لطف الهی شما را در بر بگیرد ، باید به صراحت لطف خداوند به خاطر نعمت هایش به خودتان را درک بکنید.

(( ستایش خداوندی را سزااست که حمد و ستایش را به نعمت ها و نعمت ها را به شکرگزاری پیوند داد! خدای را بر نعمت هایش آنگونه ستایش می کنیم که بر بلاهایش ))<sup>۱</sup>

علی (ع)

## راه پنجم: انفاق و بخشش

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup>

(مثل کسانی که در راه خدا انفاق می کنند مثل کشاورزی است که بذری را در زیر خاک می کارد و ما آن را به هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه و در مجموع به هفتصد دانه تبدیل می کنیم)

ما انسانها بطور مداوم از نعم خدای رزاق استفاده می کنیم ، تمامی اطرافمان پر است از جلوه های رحمت و رزاقیت او اما حق خداوند را از آنچه به ما داده نمی پردازیم مانند کسی که ماهانه مبلغی پول به شما بدهد و بگوید که مقداری از آن را بده به فلانی ، اما اگر شما این کار را نکنید چگونه می توان انتظار داشت که او همچنان به شما ببخشد !!!  
آیا این نشانه ی ناسپاسی ما از نعم الهی نیست ؟ آیا این بدان معنا نیست که ما نسبت به وعده های خدای صادق مردد هستیم و وعده های بی شمار او را در مورد بخشش ، خمس و زکات نادیده گرفته ایم؟

علامه طباطبایی (ره) در مورد قسمت آخر آیه ی ۲۶۱ بقره می نویسد :

((خدای تعالی برای هر کس که بخواهد بیش از هفتصد دانه گندم هم می دهد ، برای اینکه او واسع است و هیچ مانعی نیست که از جود او جلوگیری کرده و فضل و کرمش را محدود سازد همچنانکه خودش در جای دیگر فرمود:

<< مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرًا >>

و کثیراً را در این آیه مقید به عدد معینی نکرده )) ۱

البته نباید فراموش کنیم که هر چه خالصانه تر انفاق کنیم پاداش بیشتری می گیریم در این باره خداوند متعال میفرماید:

« وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ » ۲

(انفاق جز برای رضای خدا نکنید هر خیری را که انفاق می کنید (عین همان) به شما می رسد و ستم نمی بینید )

در واقع نیت شما از انفاق بسیار مهم است و رضایت الهی با درجه ی اخلاص شما رابطه ای مستقیم دارد.

موضوع انفاق از جمله قوانینی است که نادیده گرفتن آن موجب کاهش روزی می شود و هشدارهایی نیز در این باب وجود دارد از جمله این که

علی (ع) می فرماید:

((خدا را بندگانی است که برای سود رساندن به دیگران نعمت های خاصی به آنان بخشیده، تا آنگاه که دست بخشنده دارند نعمت ها را در دستشان باقی می گذارد و هر گاه از بخشش دریغ کنند نعمت ها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد)) ۱

همچنین امام صادق (ع) می فرماید:

((هر که حقوق خدا را نپردازد دو چندان آن مال را در باطل مصرف می کند)) ۲



بنابراین در یافتیم که با نادیده گرفتن اصل پنجم نه تنها از پاداش های الهی محروم می شویم بلکه ضرر هم خواهیم کرد. البته تصور نکنید که باید خارج از حد توانتان انفاق کنید ، بلکه هر کسی باید متناسب با توانش بخشش کند اگر چه ممکن است بسیار ناچیز باشد اما در نزد خدا بسیار ارزشمند است.

اما سوال مهم و اساسی این است که چرا تا این حد به انفاق ، خمس و زکات سفارش شده است ؟

دلیل این پاداش های فراوان و عقوبت های حاصل از ترک آن مهم بودن این آزمایش الهی می باشد . در این رابطه امام صادق (ع) می فرمایند:

**(( خداوند آزمایشی سخت تر از آزمایش مالی برای بندگان خود قرار نداد ))**<sup>۳</sup>

بنابر این حدیث اگر شما از عهده ی این آزمایش بر آیید ، دیگر ثروت برای شما مانع نیست بلکه فرصت است و خدای متعال فرصت ها را از شما نمی گیرد.

علی (ع) می فرمایند :

((إِذَا أَمَلْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ))<sup>۱</sup>

(هر گاه تهیدست شدید با صدقه دادن با خدا تجارت کنید)

- احتمالاً تعجب کرده اید که علی (ع) به تهیدستان نیز پیشنهاد انفاق می کند.

شاید اولین کسی که درختانش را هرس می کرده است مورد تمسخر دیگران قرار گرفته باشد . زیرا همگان بر این باور بوده اند که با بریدن برخی از شاخه های درخت نه تنها محصول افزایش نمی یابد ، بلکه سبب آسیب رساندن به درخت هم می شود . اما نتیجه چیز دیگری را نشان می داد.

همه متعجب بودند از اینکه محصولا تشا ن از کسی که او را مورد تمسخر قرار می دادند کمتر شده بود .

انفاق نیز مانند هرس کردن است واگر شما نیز درخت ثروتتان را هرس کنید شاهد باروری بیشتر آن می شوید .

- آیا مایل نیستید که با هرس کردن درخت ثروتتان برآن بیا فزایید؟

- علاوه بر سفارش های فراوان معصومین (ع) بر خمس، زکات و بخشش نظریه پردازان موفقیت نیز یکی از راه های ثروتمند شدن را بخشش می دانند برای مثال آنتونی رابینز معتقد است که حداقل ده درصد از درآمدها را ببخشید.

یکی از مهمترین دلایل تأثیر بخشش بر ثروتمندی، گمانی است که شما نسبت به خودتان پیدا می کنید بدین صورت که ضمیر ناخودآگاهتان شما را ثروتمند می پندارد و شما احساس ثروت خواهید کرد و بسوی ثروت راهنمایی خواهید شد.

خداوند متعال میزان مشخصی برای خمس و زکات در نظر گرفته تا بیشترین بهره وری را داشته باشد. در واقع او بهترین راه هرس کردن را به ما آموخته تا هر که آن را به کار ببندد از آن بهره جوید و بدلیل اهمیتشان آنها را بر ما واجب کرده است.

شگفتی های عجیبی در مورد خمس و زکات وجود دارد برای مثال چرا از بین تمام کشاورزان یک منطقه فقط محصول کسانی که زکات داده بوده اند از ملخ باران نجات یافته و مثالهای فراوانی در مورد خمس که با دلایل دنیوی قابل اثبات نیستند و باید اثباتشان را در احادیث کسانی یافت که متصل به علم الهی هستند.

در این بخش به چند حدیث در مورد خمس اشاره می کنم:

امام رضا (ع) می فرمایند :

**((همانا پرداخت خمس کلید روزی شماست))** ۱

امام صادق (ع) می فرمایند:

(( درهمی از (خمس) که به امام برسد ثوابش از دو میلیون درهم در غیر خمس از وجوه بیشتر است ))<sup>۱</sup>

وبسیاری آیات و احادیث دیگر که نشان از اهمیت خمس ، زکات و انفاق دارد.

با این همه تفصیل چرا ما از بخشش گریزانیم و چرا هنگامی که باید ببخشیم دست و پایمان می لرزد و هزار فکر فقر و تنگدستی به ذهنمان خطور می کند؟

آنچه مسلم است این است که شیطان باز هم بی کار نمی نشیند تا شاهد موفقیت‌های ما باشد لذا خداوند می فرماید:

(( الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ))<sup>۲</sup>

(شیطان به وعده فقر و ترس بی چیزی شما را به کار های زشت و بخیلی وادار می کند و خداوند (برای رغبت به خیر و احسان ) به شما وعده آمرزش و احسان دهد و خدا رحمت بی منتهاست و(به همه امور جهان ) داناست)

۱- آثار الصادقین (ع) ، ج ۵ ، ص ۴۶۶ ، حدیث ۲۳  
۲- بقره ۲۶۸



بنابر این اگر بخل و ترس از فقر آینده به سراغ ما می آید از ناحیه ی شیطان است . در واقع شیطان آنقدر ماهرانه ما را می فریبد که اگر دارای گنج های تمام عالم هم باشیم باز هم از ترس فقر در آینده دچار بخل میشویم .

« قُلْ لَوْ أَنَّمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَثُورًا ۱ »

( ای رسول ما ) بگو که شما اگر دارای گنج های رحمت خدا شوید باز همه از ترس فقر و خوف درویشی ، بخل از انفاق خواهید کرد که انسان ( طبعاً ) بسیار ممسک و بخیل است )

« آن که پادشاه الهی را باور دارد، در بخشش سخاوتمند است »

علی (ع)

## راه ششم: اخلاق نیکو

### (( گنج های رزق در اخلاق خوب نهفته است ))<sup>۱</sup>

خلق نیکو از ابزارهای در دست انسان های جذاب است ، آنها نظر دیگران را به خود جذب می کنند و دیگران نیز به نیکی با آنها رفتار می کنند. اما اندر پس پرده رازهای نهان است که بیشترشان را نمی توان با دلایل امروز اثبات کرد و ظاهراً خدای متعال قوانینی خاص را در جهت پاداش به صاحبان خلق نیکو قرار داده است ، قوانینی که مابیشتر بر نتایجشان آگاهی داریم.

پاداش های متعددی برای خلق نیکو در دنیا و آخرت وجود دارد که یکی از آنها افزایش روزی و ثروت است. اما بالا ترین درجه ی نیک خلقی در مهربانی نسبت به پدر و مادر و ارحام مصداق پیدا می کند و سفارش های فراوانی در مورد ایشان شده است و پاداش های دنیوی اش را افزایش ثروت ، طولانی شدن عمر و ... نا میده اند.

رسول اکرم (ص) می فرماید :

(( هر کس نیکی به پدر و مادر و صله ی ارحام خویش را برای من تضمین کند من نیز فراوانی ثروت و طول عمر و محبت ورزیدن به او در خانواده اش را ضمانت می کنم ))<sup>۲</sup>

1- شیخ عباس قمی سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار ج ۲ باب الخاء بعده اللام ص ۶۷۸

2- مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۶

در حدیث دیگری از ایشان می خوانیم:

((هرکس انجام یک کار را به من ضمانت کند چهار چیز را برای او ضمانت می کنم . او ضمانت کند که صله ی رحم را انجام می دهد و من ضمانت می کنم که خانواده اش او را دوست خواهند داشت و روزی او فراوان خواهد شد و عمرش دراز خواهد گردید و خداوند او را به بهشتی که وعده فرموده است وارد خواهد نمود))<sup>۱</sup>

آنچه در احادیث بالا خواندید پرده برداری رسول اکرم (ص) از یک قانون الهی و نتایج شگفت انگیز آن است که مورد تضمین محبوب خداوند است.

در باب نیکی به پدر و مادر آنچه سفارش شده است که انسان گمان می کند گره ی رزقش در بی توجهی نسبت به ایشان نهفته است . روایات فراوانی در باب نیکی به پدر و مادر و صله ی رحم وجود دارد که نشان از اهمیت این اصل مهم در نزد معصومین (ع) است . اما صله ی رحم از جمله اموری است که پاداشش سریعتر از پاداش های دیگر حاصل می شود.

رسول اکرم (ص) می فرماید :

(( سریعترین پاداشی که در کار های نیک به انسان می رسد پاداش صله ی رحم کردن است ))<sup>۲</sup>

۱- مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۲۴۶

۲- الکافی ج ۲ ص ۱۵۲



از میان سفارش های فراوان در باب صله ی رحم و نیک خلقی به چند حدیث دیگر اکتفا می کنیم.

۱- امام صادق (ع) می فرمایند:

((همانا صله ی رحم کردن ثروت را زیاد می کند و روزی را میافزاید))<sup>۱</sup>

۲- رسول اکرم (ص) می فرمایند:

(( صله ی رحم کردن عمر را طولانی و فقر را دور می کند))<sup>۲</sup>

۳- رسول اکرم (ص) می فرمایند:

(( کسی که طولانی شدن عمر و گسترش رزق او را مسرور می کند باید به پدر و مادر خویش رسیدگی کند . به راستی رسیدگی به آنها طاعت خداست و هر کس باید به رحم خود رسیدگی کند ))<sup>۳</sup>

در مقابل پادشاهای صله رحم عقوبت های قطع رحم قرار دارند بدین معنا که اگر صله ی رحم سبب افزایش روزی می شود قطع رحم سبب کاهش روزی می شود .

رسول خدا (ص) می فرمایند ، خداوند فرموده است:

(( لَا تَنَالُ رَحْمَتِي ... قَاطِعُ الرَّحِمِ ... ))<sup>۱</sup>

( کسی که قطع رحم کند از رحمت من بهره ای نبرد )

همچنین پیامبر (ص) می فرمایند:

(( قَطِيعَةُ الرَّحِمِ تَحْجَبُ الدُّعَاءَ ... ))<sup>۲</sup>

(دعای کسی که قطع رحم نموده است پوشیده خواهد ماند )

بنا بر روایات بالا قطع رحم نه تنها موجب بدبختی می شود بلکه مانع اصول دیگر از جمله اصل دوم یعنی دعا و درخواست هم می شود.

۲- مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۸۵

۱- مستدرک الوسائل ج ۹ ص ۱۰۷

بنا بر آنچه دریافتیم خداوند بلند مرتبه نسبت به نیک خلقی خصوصاً به والدین ، ارحام و همسایگان توجه خاصی دارد که عمل کننده به آن را پاداش سریع و تارک آن را عقوبت سریع نصیب می کند . حدیث مربوط به پاداش سریع را گفتم و در پایان این بحث حدیث مربوط به عقوبت سریع را خواهم گفت . به امید آنکه از فواید این اصل مهم بهره مند شویم.

رسول اکرم (ص) می فرمایند:

**(( هیچ گناهی همانند سرکشی و قطع رحم کردن نیست که خداوند سزای آن را به صاحب آن زودتر از بقیه ی گناهان می رساند ، و این غیر از آن چیزی است که در آخرت برای او آماده ساخته است ))** ۱

## راه هفتم: تاثیر گناه در کاهش روزی

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۱</sup>

(واگر اهل شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند برکات آسمانها و زمین را بر آنها می گشودیم ولی (آنه‌ا‌حق را) تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم)

امیر المؤمنین (ع) در دعای کمیل آثار گناهان را به چند دسته تقسیم می‌کند، گناهانی که پرده‌ی عصمت را می‌درند، گناهانی که نعمت‌ها را نازل می‌کنند، گناهانی که دعا را حبس می‌کنند و مانع استجاب دعا می‌شوند و گناهانی که بلاها را نازل می‌کنند. در واقع گناهان مخرب و قطعی بر روند زندگی ما دارند و فقط آخرتی نیستند بلکه تأثیرشان در این دنیا نیز گریبان‌گنه‌کار را می‌گیرد.

رسول اکرم (ص) به ابوذر غفاری می‌فرماید:

«ای ابوذر به درستی که انسان گاهی به دلیل انجام گناه از روزی خود محروم می‌شود»<sup>۲</sup>

۱- اعراف ۹۶

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار ج ۷۴، ص ۷۷، حدیث ۳

بنابر این هر چند ما نتوانیم رابطه‌ی میان گناه و محرومیت از رزق به ویژه رزق‌های مادی را درک کنیم باید بدانیم که این رابطه از نظر قرآن و معارف اصیل اسلامی رابطه‌ای قطعی و ضروری معرفی شده است. خلاصه این که گناه نوعی ناسپاسی از خداست و نباید انتظار داشت که جواب ناسپاسی محبت باشد.

در این زمینه در خطبه‌ای از امیر المومنین (ع) می‌خوانیم:

**(( خداوند بندگان خود که گناه کارند با کمبود میوه‌ها و جلوگیری از نزول برکات و بستن در گنج‌های خیرات آزمایش می‌کند برای آن که توبه‌کننده‌ای باز گردد و گناه کار دل از معصیت بکند و پند گیرنده‌ای پند گیرد و باز دارنده راه نافرمانی را بر بندگان خدا ببندد. و همانا خدا استغفار و آمرزش خواستن را وسیله‌ی دائمی فرو ریختن روزی و موجب رحمت آفریدگان قرار داد و فرمود:**

*<از پروردگار خود آمرزش بخواهید که آمرزنده است برکات خود را از آسمان بر شما فرو می‌بارد و با بخشش اموال فراوان و فرزندان شما را یاری می‌دهد و باغستان‌ها و نهرهای پر آب در اختیار شما می‌گذارد.>*

**پس رحمت خدا بر آنکس که به استقبال توبه رود و از گناهان خود پوشش طلبد و پیش از آن که مرگ او فرا رسد اصلاح گردد))** ۱

بنا بر آنچه ذکر شد یکی از آثار مهم گنا هان کاهش رزق است. اما خداوند پاداش کسی را که از گناه پرهیز کند و تقوای الهی پیشه کند چه چیز قرار داده است؟

آیا تا کنون شده است که کاری انجام دهید و برای آن تلاش کنید ولی سودی از آن نبرید و در مقابل از جایی که گمان نمی کرده اید سود ببرید؟ عجیب است اما خداوند به برخی افراد از جایی که گمان نمی کنند روزی می رساند البته این قانون پیش شرط های هم دارد.

(( وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ  
وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ  
شَيْءٍ قَدْرًا )) ۲

(هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می رساند و هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می کند خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است )

- در پایان این بخش توصیه ای اساسی از امام صادق (ع) را می خوانیم:

**((هر بنده ای که بسوی چیزی که خدا دوست می دارد روی  
بیاورد خداوند نیز بسوی چیزی که او دوست می دارد روی  
می آورد...))** ۱

تمامی مطالبی را که در این کتاب خوانده اید به حدیث بالا ختم میشود .  
قسمتی از امور مورد پسند خدا را گفتم حالا این تو هستی که باید به  
سوی آنها روی بیاوری زیرا اگر خداوند بسوی چیزی که شما دوست  
دارید روی آورد دیگر همه چیز تمام است .

و به نقل از آیت الله بهجت (قدس سره):

**(( اگر بسوی خدا نرفتیم موانع هم اگر رفع بشود موقتاً رفع  
می شود دائماً رفع نمی شود ))** ۲

## سخن آخر

هرگز فراموش نکنید که خداوند متعال به شما توجه دارد و شما را رها نمی کند اما از او انتظار نداشته باشید که آزمایشتان نکند زیرا در این صورت حکمت او را نادیده گرفته اید .

علی (ع) می فرمایند:

(( ای مردم خداوند به شما ظلم نخواهد کرد و از این جهت تأمین داده است اما هرگز شما را ایمن نساخت که آزمایش نفرماید ، که این سخن از آن ذات برتر است که فرمود: >> در جریان نوح نشانه هایی است و ما مردم را می آزمایشیم << )) ۱

خلاصه این که تلاش کنید اما غصه نخورید و در حال زندگی کنید و از آنچه هستید و دارید شکر گزاری کنید تا با آرامش بیشتری به خواسته تان برسید و از بابت روزی خود و خانواده تان نگران نباشید زیرا خداوند روزی تان را تضمین کرده است .

به قول حافظ:

حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است

از بهر معیشت مکن اندیشه باطل



## نگران روزی تان نباشید

روزی حضرت سلیمان (ع) در کنار دریا نشسته بود ، نگاهش به مورچه ای افتاد که دانه گندمی را باخود به طرف دریا حمل می کرد . سلیمان (ع) همچنان به او نگاه می کرد که دید او نزدیک آب رسید. در همان لحظه قورباغه ای سرش را از آب دریا بیرون آورد و دهانش را گشود ، مورچه به داخل دهان او وارد شد ، و قورباغه به درون آب رفت.

سلیمان مدتی در این مورد به فکر فرو رفت و شگفت زده فکر می کرد، ناگاه دید آن قورباغه سرش را از آب بیرون آورد و دهانش را گشود ، آن مورچه از دهان او بیرون آمد، ولی دانه ی گندم را همراه خود نداشت.

سلیمان(ع) آن مورچه را طلبید و سرگذشت او را پرسید.

مورچه گفت : " ای پیامبر خدا در قعر این دریا سنگی تو خالی وجود دارد و کرمی در درون آن زندگی می کند . خداوند آن را در آنجا آفرید او نمی تواند از آنجا خارج شود و من روزی او را حمل می کنم . خداوند این قورباغه را مأمور کرده مرا درون آب دریا به سوی آن کرم حمل کرده و ببرد .

این قورباغه مرا به کنار سوراخی که در آن سنگ است می برد و دهانش را به درگاه آن سوراخ می گذارد من از دهان او بیرون آمده و خود را به آن کرم می رسانم و دانه گندم را نزد او می گذارم و سپس باز می گردم و به دهان همان قورباغه که در انتظار من است وارد می شود او در میان آب شناوری کرده مرا به بیرون آب دریا می آورد و دهانش را باز می کند و من از دهان او خارج میشوم".

سلیمان به مورچه گفت : (( وقتی که دانه گندم را برای آن کرم میبری آیا سخنی از او شنیده ای ؟ ))

مورچه گفت آری او می گوید :

ای خدایی که رزق و روزی مرا درون این سنگ در قعر این دریا فراموش نمی کنی رحمتت را نسبت به بندگان با ایمانت فراموش نکن.

یک صبح جمعه پیرمرد تاجری را دیدم که از اوضاع زندگیش بسیار ناراضی بود او می گفت که ۴/۵ میلیاردش را از دست داده است و حالا مجبور است که روز های تعطیل هم کار کند. حدود ۶۰ سال از عمرش می گذشت و حالا به مرگ هم نزدیکتر شده و زمان و ثروتش را از دست داده بود. هیچ کدام از این ها مهم نیست، مهم این است که او از زندگی گذشته اش ناراضی بود زیرا در تمام عمرش با حرص و طمع کار کرده بود و هدفش از زندگی فقط کسب ثروت بود و حالا حاصل همه ی عمرش را از دست داده بود.

به قول سعدی:

«مال از بهر آسایش عمر است، نه عمر از بهر گرد کردن مال»

بنابراین نباید برای کسب ثروت حرص خورد و طمع کرد و خود ثروت را هدف اصلی زندگی قرار داد زیرا هدف از ثروت آسایش و آرامش شماست نه عصبانیت و حرص و غصه خوردن شما، خلاصه این که اگر هدفتان در زندگی فقط کسب ثروت باشد عمرتان به هدر رفته است.

«آنچه از دنیا هم اکنون در دست توست پیش از تو نبرد دست دیگران بوده است و پس از

تو نیز به دست دیگران خواهد رسید» ۲ (علی ع)

## راهکار اول: سحر خیزی

علی (ع) می فرماید:

**« ذکر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب حتی از مسافرت تجاری نیز در جلب روزی مؤثرتر است »**<sup>۱</sup>

رازهایی شگفت انگیز در سحر خیزی نهفته است. ساعاتی از شبانه روز وجود دارد که رمز آلودند و سفارش های فراوانی برای درک آن لحظات خاص وجود دارد و بسیاری از عالمان گفته اند که اگر دنیا و آخرت را می خواهید در آن ساعات سرنوشت ساز بپا خیزید و خدا را عبادت کنید. اینکه چه رازی در آن موقع از سحر نهفته معلوم نیست. اما باید امتحان کنیم تا حساسیت آن لحظات را درک کنیم.

از نوف بکالی نقل شده است که در یکی از شب ها امام علی (ع) را دیدم برای عبادت از بستر بر خاست نگاهی به ستارگان افکند و به من فرمود:

خوابی یا بیدار؟ گفتم: بیدارم.

امام (ع) فرمودند:

**((...ای نوف! همانا داوود پیامبر (که درود خدا بر او باد) در چنین ساعاتی از شب بر می خاست و می گفت: >> این ساعتی است که دعای هر بنده ای به اجابت می رسد جز باجگیران، جاسوسان، شبگردان و نیرو های انتظامی حکومت ستمگر یا نوازنده ی طنبور و تار<<))**<sup>۲</sup>

## راهکار دوم: راه حل شیخ حسنعلی نخودکی

آوازه مرحوم آقا شیخ حسن علی نخودکی و کرامت ها و کارهای خارق العاده اش، اشتیاق دو طلبه جوان را برانگیخت تا از قم راهی مشهد مقدس شوند. آن دو می خواستند خدمتش شرفیاب شوند تا از علومش بهره ببرند و قسمتی از آن چه را که می داند و عمل می کند، فرا بگیرند. دو طلبه جوان که هر دو از ذریه زهرای مرضیه علیها السلام بودند، درخواست خود را نزد مرحوم نخودکی مطرح ساختند. مرحوم نخودکی فرمود: مطلبی به شما می آموزم که اگر به آن عمل کنید، در زندگی روزانه خود هیچ گاه نیازمند نمی شوید. آن دو طلبه سراپا گوش بودند و به سخنان او گوش فرا می دادند. آقا شیخ فرمود: پس از نماز صبح و تعقیب آن، این آیه را سه مرتبه بخوانید

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»

(و هر کس از خدا پروا کند، او برایش راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند. هر کس به خدا توکل کند، برایش کافی است؛ زیرا خداوند، فرمانش را به انجام می رساند؛ همانا خداوند برای هر چیزی، اندازه ای مقرر کرده است)

سپس سه مرتبه سوره ی «قل هو الله احد» را بخوانید پس از آن سه مرتبه بر محمد و آل او صلوات بفرستید.

آن دو طلبه که سید روح الله و سید احمد نام داشتند، یکی بنیان گذار جمهوری اسلامی در ایران شد و امام خمینی (ره) لقب یافت و دیگری، آیت الله مرحوم سید احمد شبیری زنجانی، پدر آیت الله سید موسی شبیری زنجانی است که خود اعتراف کرده بود از آن پس هیچ گاه در تأمین هزینه های زندگی اش در تنگنا نبوده است. هزینه های زندگی دیگرانی نیز که به این دستور عمل کرده اند، به صورت معمولی تأمین شده است.

## راهکار سوم

از معویه بن عمار منقول است که از حضرت صادق (ع) درخواست کردم که دعایی مرا تعلیم فرماید برای رزق. پس آن حضرت این دعا را به من تعلیم فرمود و من ندیدم چیزی برای زیاد شدن روزی بهتر از این.

ایشان فرمودند بگو:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ رِزْقاً وَاسِعاً حَلالاً طَيِّباً بِلِغَةً لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ صَباً صَباً هَنِئاً مَرِيئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَمِنْ يَدِكَ الْمَلَأَ أَسْأَلُ»<sup>۱</sup>

( خدایا روزیم ده از فضل واسع و حلال و پاکیزه ات که کافی باشد در دنیا و آخرت . ریزان ریزان ، گوارا و خوشمزه ، بدون رنج و ومنت از مخلوقات تنها از سعه ی فضلت که واسع است زیرا خودت فرمودی بخواهید از خدا، از فضلش پس از فضلت خواستارم و از عطایت خواستارم و از دست پرت خواستارم )

## راهکار چهارم

کفعمی روایت کرده است که مردی به حضرت رسول (ص) شکایت کرد از تنگدستی و پیریشانی و بیماری. حضرت فرمود که هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند. او سه روز بر این دعا مداومت کرد و حال او بصحت و توانگری و رفاهیت برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده اند و دعا این است:

« لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِليٌّ مِنَ  
الدُّنْيَا وَكِبْرُهُ تَكْبِيرًا »

( نیست قدرت و قوتی جز از خدا توکل دارم بر زنده ای که نمیرد و حمد برای خدایی که فرزند نگیرد و نیست برای او شریکی در ملک و نیست برای او نگهبانی از خواری و او را بسیار بزرگ شمار)

## راهکار پنجم

از امام محمد باقر مرویست که به زیدبن شحام فرمود که بگو بجهت طلب روزی در سجده ی نماز فریضه :

« يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ أَرْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ  
فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ »<sup>۱</sup>

(ای بهترین درخواست شونده وای بهترین عطا بخش روزی ده مرا  
و عیالم را از فضلت زیرا تو صاحب فضل بزرگی)

## راهکار ششم

مردی به خدمت امام موسی کاظم (ع) شکایت کرد که کار بر من بسته شده است و بهر کاری که متوجه می شوم سودی نمی یابم و بهر حاجت که رو می نهم بر آورده نمی شود . حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو:

((سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ ))<sup>۱</sup>

راوی گفت که اندک زمانی که بر این مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند که مردی از اقوام تو مرده و به غیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیار به دست آمد و تا حال بی نیازم



## راهکار هفتم

روایت شده است که رسول خدا (ص) این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود :

« يَا رازِقَ الْمُقَلِّينَ وَيَا راحِمَ الْمَساكِينِ وَيَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ  
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ ارزُقْنِي وَ عافِنِي وَ اكْفِنِي مَا أَهْمَنِي »

( ای روزی دهنده ی مستمندان وای رحم کننده بر مسکینان وای سرپرست مومنان وای صاحب نیروی محکم درود فرست بر محمد واهل بیتش وروزیم ده و عافیتم بخش و آنچه مهم من است کفایت کن )

## راهکار هشتم

دعایی بسیار زیبا جهت گسترش روزی

«اللَّهُمَّ أَنْ ذُنُوبِي لَمْ يَبْقَ لَهَا إِلَّا رَجَاءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدِمْتُ آلَةَ الْحِرْمَانِ  
بَيْنَ يَدَيَّ فَأَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَجِئُهُ وَ أَدْعُوكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ وَ  
أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِمَا لَا أَسْتَأْهِلُهُ وَ لَمْ يَخَفْ عَلَيْكَ حَالِي وَ إِنْ خَفَى عَلَى  
النَّاسِ كُنْهُ مَعْرِفَةِ أَمْرِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ رِزْقِي فِي السَّمَاءِ  
فَأَهْبِطْهُ وَ إِنْ كَانَ فِي الْأَرْضِ فَأَظْهِرْهُ وَ إِنْ كَانَ بَعِيداً  
فَقَرِّبْهُ وَ إِنْ كَانَ قَرِيباً فَيَسِّرْهُ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلاً فَكَثِّرْهُ  
وَ بَارِكْ لِي فِيهِ»<sup>۱</sup>

(خدایا بر راستی گناهانم جز امید گذشتت را برایم بجا نگذاشته اند و من هم ابزار محرومیتت را پیش خود دارم و من از تو خواهم آنچه را که مستحق آن نیستم و از تو در خواست کنم آنچه را بایستم نیست و زاری کنم به درگاہت برای آنچه اهلش نیستم و پوشیده نیست بر تو حال من و اگر چه نهان است بر مردم کنه معرفت امر من . خدایا اگر روزیم در آسمان هاست فرودش اور و اگر در زمین است آشکارش کن و اگر دور است نزدیکش اور و اگر نزدیک است آسا نش کن و اگر کم است زیادش کن و برای من مبارک کن)